

روزنه

مصطفی تاج‌زاده:

«آشتی ملی» یعنی زنده کردن شعار همه با هم



مصطفی تاج‌زاده در گفت‌وگو با ایلتا درباره ابعاد مختلف طرح آشتی ملی که از سوی رئیس دولت اصلاحات ارائه شده، گفت‌وگو کرده که گزیده آن در پی می‌آید:

- اصلاح‌طلبان در مجموع از پیام «آشتی ملی» استقبال کردند؛ اصولگرایان نیز به‌طور کلی نوعی سکوت توأم با رضایت پیشه کردند؛ اگرچه دلواپسان علیه این پیام شوری‌دند.
- بنده به‌طور جدی با این پیشنهاد موافقم و حدود سه ماه پیش دلایل خود را در لزوم گفت‌وگو، وحدت، وفاق و آشتی ملی اعلام کردم. اخیراً دیداری داشتم و دیدم برخلاف تبلیغاتی که از سوی برخی انجام می‌شود تا صرفاً تفاهم دو جناح است، مقصود ایشان این است همه کسانی که به قانون اساسی ملتزم هستند، بتوانند در فرایند مدیریت کشور و در عرصه اجتماع و سیاست فعال شوند و امکان خدمت‌گزاری بیابند.
- تاکید دوم این بود که ما به هیچ عنوان دست از هویت، ایده‌ها و عقاید خودمان برنمی‌داریم، کم‌اینکه انتظار نداریم چه اصولگراها و چه دیگر نیروهای قانون‌گرای خارج از این دو جناح، برای آشتی و وفاق ملی از باورها و عقایدشان دست بکشند؛ بلکه لازم است برای حل مشکلات دست باری به یکدیگر داده، با یافتن اشتراکات، روی این نقاط مشترک تاکید کنند و درمورد اختلاف‌ها نیز با سازوکار قانونی به رقابت سالم بپردازند و درنهایت تسلیم نظر مردم باشند.
- علت طرح این مسئله آن است که جامعه ما از مشکلات فراوانی رنج می‌برد که در صورت مه‌نارشدن، ممکن است دیر یا زود به بحران تبدیل شوند. این مشکلات از مسائل و معضلات زیست‌محیطی مانند هدررفتن آب، فرسایش خاک و آلودگی هوا، تا ناهنجاری‌های اجتماعی مانند اعتیاد، طلاق، گسترش خشونت، افزایش رشوه و دیگر بداخلاقی‌هایی که روزمره با آن روبه‌رو هستیم و همین‌طور فقر و تبعیض و فاصله طبقاتی را شامل می‌شود. تجربه ۳۷ساله نشان داده که هیچ جناحی به‌تنهایی قادر به حل معضلات مذکور نیست.
- دلیل دیگر مطرح‌کردن ایده «آشتی ملی» به نظر من آن است که ما نه‌تنها برای حل مشکلات موجود، بلکه همچنین برای جلوگیری از وقوع مسائل جدید نیز نیاز به جراحی‌های بزرگ در عرصه‌های مختلف داریم که انجامشان مستلزم وفاق ملی است و هیچ‌کدام از جناح‌ها به‌تنهایی قادر به تحمل این بار بزرگ نیست. به بیان روشن برای اینکه پلاسکوه‌های دیگری فرو نریزد و... باید به تفاهمی عمومی برسیم و بر اساس آن بتوانیم از تجربه، توان، دانش و استعداد همه نیروها بهره‌مند شویم.
- از این منظر، «آشتی ملی» یعنی احیای همان شعار «همه با هم» ابتدای انقلاب و زنده‌کردن شعار «ایران برای ایرانیان» عصر اصلاحات. یعنی همه نیروها به صحنه بیایند و برخلاف گذشته که روی اختلاف‌ها تاکید می‌شد، با حفظ عقاید روی اشتراک‌ها تاکید کنند و برای ایران به یکدیگر دست همکاری بدهند و از کارشکنی و قیوم و دشمنی دست بردارند و به رقابت سالم سیاسی تن بدهند و هر کسی که بتواند برنام‌ه موفق‌تری با متناسبت‌ر با نظر اکثریت جامعه ارائه دهد، امکان خدمت‌گزاری بیشتری پیدا کند.
- بر این اساس «آشتی ملی» معنایی ندارد، جز اینکه نیروهای سیاسی یکدیگر را به رسمیت بشناسند و چندصدایی رسمیت یابد.
- نکته پایانی اینکه کسانی که مخالف گذار از فضای امنیتی به فضای سیاسی و انجام رقابت سالم سیاسی هستند، تلاش می‌کنند مانع موفقیت این ابتکار جدید شوند و از جمله به طرح مسائلی کذب می‌پردازند تا شهادتی را در افکار عمومی به‌ویژه در نسل جوان ایجاد کنند.
- من «آشتی ملی» را در تداوم حرکت اصلاحی و حتی انقلاب اسلامی می‌دانم؛ چراکه در جهت حاکمیت مردم و گسترش و تعمیق دموکراسی در ایران است. ما همچنان با افتخار اصلاحات را دموکراتیزاسیون تعریف کرده و «آشتی ملی» را گامی در این راستا می‌دانیم و معتقدیم اگر بخواهیم مردم با وجود تنوعات فکری و تفاوت‌های سیاسی، یک واحد ملی را تشکیل دهند و یکپارچه در برابر زیاده‌خواهی بدخواهان ایران بایستند، راهی جز به رسمیت‌شناختن یکدیگر با وجود تفاوت‌ها نداریم.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

برادر رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام:

علت مرگ هاشمی ایست قلبی بود، نه خفگی



عکس: امیرحیدری، شرق

محمد هاشمی، برادر مرحوم آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی، در گفت‌وگو مفصلی که با لایلا چرمچیان و علیرضا قربانی، خبرنگاران ایسنا انجام داده، درباره خصوصیات اخلاقی، نحوه زندگی و مرگ آیت‌الله و نیز انتقال به بیمارستان تا دفن او توضیحاتی داده است. گزیده این گفت‌وگو را در پی می‌خوانید.

● این عکس (که در آن چهره آیت‌الله کیود به نظر می‌رسد)، دست‌کاری شده است، من نخستین کسی بودم که در بیمارستان بالای سرشان رفتم. ایشان همان شرایطی که به لحاظ ظاهری در بیمارستان داشتند، همان شرایط را زمانی که در آرامگاه ابدی قرارشان دادیم و خود من رویشان را کنار زدم، داشتند و اثری از زخم دیده نمی‌شد.

● حتی روی مانتی‌رو هم وقتی حرکت شوک داده می‌شد، علامتی ظاهر می‌شد که به نظر می‌آمد علامت حیات باشد، اما وقتی سؤال می‌کردیم، می‌گفتند این تاثیر عملیات شوک است و قلب هنوز خودش به کار نرفته است. در بیمارستان یک بار علائم حیاتی از ۶۰ تا ۷۰ به ۹۰ رسید که پزشکان این موضوع را به من اطلاع دادند و این اتفاق همان زمانی افتاد که شما به من رنگ زدید و حال ایشان را پرسیدید. در همان زمان هم مرتب من با همسر و خانواده‌ام در تماس بودم که به شما هم گفتم حال ایشان رو به بهبودی است؛ اما بعد از آن تماس وقتی از یکی، دو نفر از پزشکان پرسیدیم، گفتند آن علائم حیاتی تنها مربوط به شوک می‌شده است و خود قلب به کار نرفته است.

● علت مرگ (آیت‌الله) خفگی نبود. من وقتی علت را پرسیدم، گفتند ایست قلبی بوده است، اما زمانی این اتفاق افتاد که ایشان در استخر بودند. محافظین هیچ وقت (در استخر) نبودند.

● (آیت‌الله) مشکل قلبی نداشتند. فقط یک‌بار در سال ۱۳۷۹ یعنی حدود ۱۷ سال قبل، آنژیوگرافی کردند و قلب ایشان مشکلی نداشت. اخیراً هم پزشکی ایرانی که ساکن آمریکا بود و اگر اشتباه نکنم دکتر شفیع نام داشت، دستگاهی شبیه آنژیوگرافی آورده بود و از آنجا که توسط دکتر حاج‌آقا، یعنی فاطمه خانم به ایران دعوت شده بود؛ آیت‌الله را هم چکاپ کرد و گفت ایشان مشکل عروق ندارند که البته موضوع مشکل قلبی یک بحث است و مشکل عروقی بحثی دیگر، اما آن‌طور که دکتر شفیع می‌گفت، آیت‌الله شرایط مساعدی داشته است.

● بیمارستان مجوز تدفین را به عنوان ایست قلبی صادر کرد و وقتی قضیه در بیمارستان شهدا تمام شد؛ چون این بیمارستان نزدیک میدان تجریش بود و آنجا هم محله شلوغی است، تصمیم گرفتیم بیکر آیت‌الله را به بیمارستان قلب جماران منتقل کنیم. البته صدور گواهی فوت و تدفین و سایر تشریفات در همان بیمارستان شهدا تجریش انجام شد، اما کار غسل و کفن‌کردن آیت‌الله همان شب و در حسینیه جماران صورت گرفت و بیکر ایشان ۳۵ تا ۳۶ ساعت در حسینیه بود.

● خانواده درخواستی برای (کالبدشکافی) ن داده بود، اینکه آن روز تیم پزشکی همراه‌شان نبوده، حرف درستی نیست. ایشان هیچ وقت تیم پزشکی نداشت، مخصوصاً که در فاصله دفتر کار تا خانه، پزشکی ایشان را همراهی نمی‌کرد.

● ایشان ادواری چکاپ می‌کردند و برای این کار به همان بیمارستان قلب جماران سر می‌زدند و حدود هر شش ماه تا یک سال، یک بار این کار را می‌کردند. به‌طور کلی همه فاکتورهای سلامت‌شان خوب بود. تنها دیابت داشتند که پیش از این با یکی، دو قرص آن را کنترل می‌کردند، اما دو سه ماه آخر، مصرف انسولین به ایشان تجویز شده بود.

● در وصیت‌نامه محل تدفین تعیین نشده است و تنها آقا محسن را وصی خود قرار داده بودند. زمانی که بحث تدفین در قم هم مطرح بود، برخی مراجع پیغام دادند که تهران برای ایشان مناسب‌تر است؛ چراکه آیت‌الله هاشمی فقط یک روحانی نبود، بلکه شخصیتی سیاسی هم به شمار می‌آمد و به همین دلیل ممکن است وقتی نمایندگان از کشورهای خارجی می‌آیند و می‌خواهند ادای احترامی به مزار ایشان کنند، در حرم حضرت معصومه (س) این کار با مشکلاتی همراه شود و انجام نشود؛ بنابراین در تهران، فضا از این نظر مناسب‌تر به نظر می‌رسد که در نهایت این موضوع مطرح شد و تصمیم نهایی نیز با آقا محسن بود که وصی آیت‌الله بودند و ایشان هم بعد از مشورت با خانواده و همسر حاج‌آقا، تهران را پذیرفتند.

● وصیت مفصلی نیست، یک برگه است که مواردی دیگر هم جدای از آنچه محسن آقا فراتر کردند در آن موجود است که ممکن است بخواهند آن را منتشر کنند یا منتشر نکنند، من از این موضوع اطلاعی ندارم. آن شب که به دنبال وصیت‌نامه ایشان می‌گشتند، تنها یک برگ وصیت‌نامه پیدا کردند که تاریخش نیز برای همان سال ۷۹ است که می‌خواستند آنژیوگرافی کنند و ظاهراً در پایان آن نیز گفته‌اند که اگر اجل مهلت دهد، این وصیت‌نامه را تکمیل می‌کنم، اما ما تکمیل‌شده آن را ندیدیم. این وصیت‌نامه فعلی هم در یک برگه «آ۴» و به صورت دست‌نویس است. ممکن است وصیت‌نامه‌ای نوشته باشند و جایی میان کتاب‌ها

نگاه

در دیدار روحانی با وزیران و نوزولایی: لزوم نقش آفرینی غیرمتعهدها

● ایرنا: رئیس‌جمهوری بر نقش آفرینی غیرمتعهدها با توجه به کاهش توان اجماع‌سازی آمریکا در جهان تاکید کرد و گفت: همه اعضای این جنبش باید دست در دست یکدیگر، برای ایفای نقش فعال‌تر در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی تلاش کنند. حسن روحانی روز گذشته در دیدار «دلسی رودریگز» و «نلسون پابلو مارتینز» وزرای خارجه و نفت ونزوئلا، این مطلب را بیان کرد.

وی توسعه روابط را با کشورهای آمریکای لاتین برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت دانست و اظهار کرد: تهران علاقه‌مند به گسترش و تعمیق روابط با کشورهای آمریکای لاتین از جمله ونزوئلا در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. شرایط امروز جهان ایجاب می‌کند کشورهای مستقل و به‌ویژه غیرمتعهدها ضمن تکیه بر ملت‌های خود، در برابر یک‌جانبه‌گرایی، افراط‌گری و خشونت، متحدرت عمل کنند.

روحانی اشتراک نظر ایران و ونزوئلا در بسیاری از مسائل بین‌المللی را شایان توجه دانست و گفت: استقلال و ایستادگی در برابر کورهای که دنبال یک‌جانبه‌گرایی در جهان هستند، از اصول سیاست خارجی ایران و ونزوئلا به‌عنوان دو کشور مستقل است. وی همچنین به کام موفق کشورهای تولیدکننده نفت در اجلاس الجزایر اشاره و اظهار کرد: ضروری است همه کشورهای تولیدکننده نفت در اوپک، بکوشند تا بهای نفت به نقطه باثبات و عادلانه‌ای برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان رسیده و تثبیت شود.

وزیر خارجه ونزوئلا نیز در این دیدار با تقدیم پیام کتبی رئیس‌جمهوری کشورش به دکتر روحانی، اظهار کرد: کاراکاس مصمم است روابط خود را در همه عرصه‌ها با تهران عمق بخشد. خان «رودریگز» همچنین به موضوع نفت و توافق الجزایر اشاره کرد و گفت: همه کشورهای تولیدکننده نفت باید با اجرای دقیق توافقی الجزایر، برای تعادل بازار و تثبیت بهای نفت تلاش کنند.

وزیر خارجه و نفت ونزوئلا روز قبل از این دیدار، با محمدجواد ظریف، وزیر خارجه، ملاقات و مذاکره داشت.

موسسه خیریه قاصدک نیکوکار تهران تحت نظارت سازمان بهزیستی

#*۷۷*۸۸*

کد مهر بانی

مهربان گرامی شما می‌توانید با شماره گیری از طریق تلفن همراه کد #*۷۷*۸۸* به آسانی از خانواده‌های بی سرپرست، بد سرپرست و نیازمند حمایت کنید.

شماره تماس : ۸۵ ۶۲ ۸۸ ۷۷-۰۲۱

در کارش وجود نداشته است. اما در محافل خصوصی معمولاً هیچ‌کس دنبال بحث‌های این چنینی نبود چون صرفاً فرصتی برای دیدوبازدید فراهم شده بود و خانواده در کنار هم قرار گرفته بودند اما در سایر موارد که این بحث‌ها مطرح می‌شد، اگر نتوانسته بود برنامه‌ای را محقق کند، این موضوع را می‌پذیرفت.

● من مدیران صداوسیما را مقرر نمی‌دانم که کم‌لطفی کردند. آنها مأمور بودند و معذور. در واقعیت هم همین است. اینکه بعد از درگذشت آیت‌الله چندروزی با محتوای بیشتر نسبت به شخصیت ایشان عمل کردند، به دلیل همان بود که به آنها گفته بودند که این کار را انجام دهید و آنها هم وارد صحنه شدند و انجام دادند و اکنون نیز موضوع به حاشیه رفته است و آنها هم به‌تدریج فقیله را پایین کشیدند. وجود این نوع موارد در رسانه ملی بنا بر تصمیم مدیریت آن رسانه نیست و مدیر در آنجا فقط مجری است.

● وقتی ما به ایشان می‌گفتیم چرا نسبت به جریان‌های مردمی که خواهان بازگشت شما به نماز جمعه هستند و از شما دعوت می‌کنند به نماز جمعه بروید، عکس‌العملی نشان نمی‌دهید، می‌گفتند من برای جایگاه نماز جمعه حرمت قائل هستم و معتقدم نباید این حرمت شکسته شود، چرا که نماز جمعه متعلق به نظام است. همین نگاه ایشان به جایگاه نماز جمعه نشان می‌داد که آیت‌الله تا چه اندازه به حفظ نظام علاقه‌مند است.

● من گزارشی را هفته پیش دیدم که منبعش یک بحث پلمب دفتر را بیهوده بزرگ کردند. مشکلی در میان نبود. مسئول تیم حفاظت ایشان در مجمع هرگاه آیت‌الله از دفترشان خارج می‌شدند، پرچم پلمب روی در دفتر می‌جسباندند و حتی فراتر از آن با سیم و قلع در راهروموم می‌کردند.

● هیچ‌وقت گلسه نمی‌کردند. حاج‌آقا کوه صبر بود. صبر می‌کرد و از کسی شکایتی نمی‌کرد. ایشان به خاطر محکومیت فائزه و مهدی نمی‌آمد معرکه‌گیری کند و تشنج در جامعه ایجاد کند و کله‌های به آن معنا مطرح نمی‌کرد.

● ایشان خیلی دنبال ساختار نظام‌های مختلف سیاسی بودند که ببینند چگونه هستند و این موضوع حتی به پیش از انقلاب هم بازمی‌گردد. من در دوران پیش از انقلاب در آمریکا بودم که ایشان یک‌بار آمدند و ۱۶ روزی میهمان من بودند. من ایشان را به جاهای مختلفی بردم اما علاقه ایشان به مسوژه و این‌طور چیزها نبود، بلکه بیشتر به دنبال پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژیک و نحوه اداره حکومت، قانون اساسی و ساختار نظام سیاسی بودند. ایشان درباره این نوع مسائل تحقیق میدانی می‌کرد و گویا در ذهنشان این موضوع وجود داشت که یک نظام حکومتی کارآمد و مردمی چگونه باید باشد. آیت‌الله در دوهفته‌ای که در آمریکا بود از من که ۱۰ سال در آمریکا بودم راجع به این مسائل مطلب بیشتری به دست آورد و بسیار بیکر تحقیق درباره این نوع مسائل بود.

● موضع حاج‌آقا نسبت به امام(ره) و خانواده ایشان و حاج‌حسن‌آقا که میراث امام(ره) هستند بر مبنای یک ارادت و تعصب ویژه نبود. ایشان انقلاب را متعلق به امام(ره) می‌دانست و از زحماتی که امام(ره) برای انقلاب کشیده بودند بیشتر از هر کسی آگاه بود و نقش امام(ره) را در انقلاب بسیار تعیین‌کننده می‌دانست. حال اینکه وقتی نسبت به امام یا نواده امام(ره) ناسپاسی می‌شد، ایشان را رنج می‌داد و در ماجرای عدم احراز صلاحیت حاج‌حسن‌آقا هم همین موضوع بود و ایشان می‌گفت حاج‌حسن میراث امام(ره) است و واجد همه نوع صلاحیت اخلاقی، علمی، فقهی و سیاسی و معیارهای حوزوی است.

● در محافل خصوصی و خانوادگی این بحث‌ها هیچ‌گاه مطرح نمی‌شد اما در محافل دوستانه که جمعی برای دیدار می‌آمدند، بعضاً این‌گونه مسائل مطرح می‌شد، از جمله بحث سیاست تعدیل اقتصادی که عده‌ای نسبت به آن انتقاد داشتند اما حاج‌آقا برای این عملکرد، توجیه داشتند و در جاهایی نیز می‌پذیرفتند که به دلیل اینکه همه شرایط برای ایشان فراهم نبود، نتوانسته‌اند نتیجه کاملی به دست آورند و اهداف را کاملاً محقق کنند. به‌هرحال ایشان این‌گونه نبود که خود را معصوم بدانند و بگویند مشکلی